

بامسعود آذرباد، درباره موضوع نوپای

تفاوتی بین نویسندگان تازه

۴ یعنی حدود ۲۰۰ صفحه.

این حداقل تعداد کلمه است و می‌تواند بیشتر باشد ولی نباید کمتر باشد.

۵ بر چه مبنایی این قانون را گذاشتید؟

بر مبنای این‌که شما اگر بخواهید فضا سازی و شخصیت پردازی انجام دهید، حداقل به این تعداد کلمه نیاز دارید. تفاوت داستان بلند با رمان این است که داستان بلند یک خط داستانی دارد ولی رمان چند خط داستانی دارد. این‌که نویسنده به هر خط داستانی چقدر می‌پردازد به خودش بستگی دارد ولی اگر تعداد کلمه زیر ۶۰ هزار باشد نمی‌توان این خط‌های داستانی را به وجود آورد. هر کدام از این قوانین که توسط ویراستار وضع می‌شود، دلیلی دارد که می‌توان به نویسنده گفت یا نگفت و قوانین ممکن است اضافه یا کم شود.

۶ در مورد انتشاراتی که در آن مشغول هستید می‌توانید قوانین را

بگویید یا محرمانه است؟

من فعلاً دارم سقف فرمی را بالا می‌برم. مثلاً در یک کتاب تاریخی، فارغ از محتوا به فضا سازی نیز خیلی خوب پرداخته شده است؛ می‌توان به خوبی حس کرد که آدم‌ها چه مدل لباس‌هایی می‌پوشیدند، معماری و فضای زندگی شان به چه صورت بود و زندگی روزمره شان چگونه بود. این مسأله را آوردن تا این دیدگاه را از بین ببرم که همه آدم‌ها در طول تاریخ دستار و عمامه بر سرشان می‌گذاشتند؛ جنس پارچه‌ها و معماری خانه‌ها متفاوت است. ما این مسأله را به نویسنده نشان دادیم.

۷ پس نویسنده موظف است برود و در مورد این نکات تحقیق کند.

بله و البته این اطلاعات جمع‌آوری شده باید بار داستانی هم داشته باشند این‌که مانند دایره المعارف صرفاً اطلاعات را به خواننده بدهد.

۸ آن ۶۰ هزار کلمه یک استاندارد جهانی برای رمان است؟

بله بر اساس داده‌هایی که من جمع کردم اکثر این نتیجه رسیده‌اند که تعداد کلمات رمان باید همین مقدار باشد.

۹ در روایت و جستار هم همین طور است؟

اطلاعی ندارم.

۱۰ از این جهت می‌گوییم که حجم زیاد خسته‌کننده نباشد.

بستگی به کیفیت و خطوط زمانی و فضا سازی روایت دارد؛ مثلاً یک نفر می‌خواهد روایتی درباره معدن لاجورد افغانستان کار کند. در این صورت او نمی‌تواند بدون فضا سازی برای مخاطب ایرانی کارش را پیش ببرد زیرا مخاطب ایرانی تجربه بودن در آن فضا را ندارد ولی اگر کسی بخواهد درباره وقایع سال ۸۸ روایتی را کار کند دیگر نیازی به فضا سازی نیست و باید سراغ مسائل دیگری برود.

۱۱ اگر کسی ادعای رمان نداشته باشد و معتقد باشد اثرش یک

داستان بلند کمتر از این مقدار است مشکلی ندارد؟

بله می‌تواند این کار را بکند ولی به این شرط که در سیاست‌های آن نشر امکان چاپ داستان بلند وجود داشته باشد.

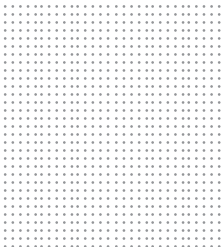
۱۲ چاپ آن به لحاظ ارزش‌های مادی به صرفه است؟

بله اگر اثر خوبی باشد به صرفه است ولی در کل مخاطب جهانی ما چه ایرانی و چه غیر ایرانی کارهای حجیم دوست دارد. این مسأله را می‌توان با جست‌وجو کردن در خصوص کتاب‌های محبوب جهان و چک کردن این‌که چند تا از آنها زیر ۶۰ هزار کلمه هستند، متوجه شد. این‌که کتاب چه ژانری باشد اهمیتی ندارد؛ چه ادبیات جریان اصلی چه ادبیات ژانر این ویژگی را دارند. کتاب جزء از کل یک اثر در حوزه ادبیات جریان اصلی و اثر پر فروشی هم هست و فکر نمی‌کنم حجم آن زیر ۴۵۰ صفحه باشد.

۱۳ در ترجمه ۴۵۰ صفحه است؟

بله. این تعداد صفحه در زبان فارسی یعنی حدوداً ۱۰۰ هزار تا ۱۱۰ هزار کلمه است. ممکن است بیشتر باشد ولی کمتر نیست.

کار دیگری که ویراستار انجام می‌دهد این‌که نویسنده‌ای پیدا می‌کند



ما فکر می‌کنیم

در تخصص

ویراستاری

داستان شخصی

به نام دبیر

داستان وجود

دارد ولی عملاً

این طور نیست و

دبیر داستان یک

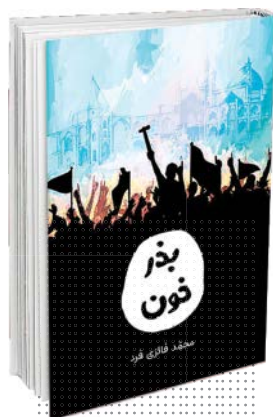
مفهوم فرمالیته

است و ما در

فضای جهانی

به آن ارزیاب

می‌گوییم



اشاره: مسعود آذرباد چند سال است روی نوشتن و ویرایش داستانی تمرکز کرده و در این فاصله یک رمان بلند نیز نوشته است. استمرار ارتباط او با فضای نشر و ادبیات باعث شد در یک عصر دلپذیر و در کتابفروشی اسم با او همکلام شویم. آنچه می‌خوانید، مشروح همه گفته‌ها و شنیده‌های این نشست است.

میثم رشیدی مهرآبادی

سردبیر

قفسه کتاب

۱ ویراستاری داستانی در ذهن من یعنی کمک به این‌که یک متن

داستانی قوی‌تر شود. تصور من از ویراستاری داستانی این است.

واقعیت این شغل چیست؟

این را هم در نظر بگیرید که ویراستاری داستانی شاخه کوچکی از ویرایش متن است. مثلاً ما ویرایش ناداستان، متون علمی، تخصصی و... هم داریم.

۲ چرا می‌گویید شاخه‌ای کوچک است؟

چون ویراستاری متن به شاخه‌های زیادی تقسیم می‌شود که چند تا از آنها را مثال زدم.

۳ ولی شاخه کوچکی نیست و بسیار ارزشمند است.

بله حتماً همین طور است. منظور من از کوچک این است که تعداد زیادی زیرمجموعه وجود دارد و ویرایش داستان یکی از آن زیر مجموعه‌هاست.

۴ ویرایش سوری را شاخه‌ای جدا از ویرایش داستان می‌بینید؟

آن بعد از ویرایش داستانی است یعنی اگر شما یک کار را ویرایش

عزاداری عاشورا در سال ۱۷۰۰ چگونه است؟!

۴ به عنوان ویراستار داستانی که ایراداتی را به کار می‌گرفتی در

کتاب «مست جنگ» (پورش سرد) زیر نگاه بقیه بودی تا ایرادات

کار خودت در بیاید؟

من دوست داشتم کتابم در کتابستان چاپ شود چون این کار سودی برای همه ماست. منظورم از سود صرفاً مالی نیست بلکه بحث اعتبار است. اگر کتابم را به ناشر دیگری می‌سپردم قطعاً این سؤال برایش پیش می‌آمد که چرا به کتابستان ندادم و پاسخ به این سؤال چندان جذاب نیست. به همراه آقای شاه‌آبادی کار را می‌خواندیم و جلو می‌رفتیم.

نسخه اول کار ۱۰۵ هزار کلمه بود که حاتم ابتهام ۹۰۰۰ کلمه را حذف کرد. برخی نکات فنی را هم آقای

حامد اشتری مطرح کرد و من دوباره کتاب را خواندم و از فصل‌های اول که تمرکز اصلی بر آنها بود ۶۰۰۰ کلمه حذف کردم. خواندن کتابم را به نویسنده‌ها توصیه می‌کنم نه به این دلیل که کتاب من است و مانند برخی استاد دانشگاه‌ها می‌خواهم کتابم را رد کنم بلکه چون من ایده‌هایی در این کتاب داشتم که می‌تواند به نویسنده کمک کند؛ مثلاً در زمینه پردازش و فضا سازی چون مربوط به یک دوره زمانی خاص است می‌تواند جالب باشد یا مثلاً به نویسنده می‌گویم کتاب را بخواند و بعد طرح رمان را در اختیار او می‌گذارم تا بداند سیر تکامل از طرح رمان تا خود رمان به چه صورت بوده است. چون وقتی اول نتیجه را ببینی و سپس روی طرح اولیه مطالعه کنی، می‌توانی به درک خوبی برسی.

